

کلام مشارکتی و مراقبتی مطابق الگوی زبانی سارا میلز در رمان پیاده اثر سلیمانی و روز دیگر

شورا اثر وفی

معصومه زارع کهن

دانش آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

بحث زبان جنسیت زده، در ادبیات داستانی بحثی قابل تأمل است؛ زیرا نویسنده برای این که بتواند از زبانی متناسب با جنسیت شخصیت‌های خود بهره‌مند شود لازم است از ویژگی‌های زبانی منحصر به فرد زبان مردان و زنان استفاده کند. سارا میلز طبق نظرات منتقدان ادبی فمینیستی به تفاوت زنانه و مردانه قائل است و کلام را در سه سطح مورد بررسی قرار داده است که شامل تفاوت در سطح واژگان، در سطح جملات و در سطح گفتمان است. کلام مشارکتی و مراقبتی زیر مجموعه سطح واژگانی از نظریه سارا میلز است که شامل میزان کلام، قطع کلام و تصدیق‌گرها، دشواژه‌ها و رنگ‌واژه‌ها است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که در مؤلفه‌های ذکر شده تسلط و قدرت مردانه در کلام بیشتر است و این امر حکایت از جنسیتی بودن زبان به نفع مردان است. این پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی-تطبیقی آثار دو نویسنده را مورد واکاوی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی کلام مشارکتی و مراقبتی توسط مردان صورت گرفته است که تسلط کلامی مردانه و اعمال قدرت مردانه را در آثار مورد بررسی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: کلام مشارکتی و مراقبتی، زبان جنسیتی، سارامیلز، سلیمانی، وفی

مقدمه

پژوهشگران زبان‌شناسی بحثی را پیرامون تفاوت‌های زبانی زن و مرد مطرح کردند و طرفداران جنبش‌های دفاع از حقوق زنان با بهره‌گیری از یافته‌ها و آراء متفکران این حوزه فکری بر این امر تأکید کردند. فمینیست‌ها با مطرح ساختن این موضوع که زنان و مردان، روحيات و خلییات متفاوتی دارند با جمع‌آوری نظرات اندیشمندان این جنبش به این دستاورد ناآل شدند که سبک نویسندگی دو جنس (زن - مرد) با هم تفاوت‌های بسیاری دارد. پس از بیان این نظریات، پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه زبان و ادبیات زنان و سبک نویسندگی آنان انجام گرفت. نوشتار زنانه، یعنی جنسیتی کردن ادبیات، بر اساس تجربه و نگاه زنانه. زنانه‌گویی، نوشتار زنانه و جملاتی از قبیل خانمانه صحبت کردن، با ادب و متین صحبت کردن و غیره، در جوامع امروزی با گوش‌ها آشناست. اگر زنان از این دایره زبانی خارج شوند محکوم به بی‌اخلاقی هستند و اگر مردی با تمسخر یا بدون تمسخر از واژگانی که به زنان منسوب شده است استفاده کند او نیز محکوم به بی‌اخلاقی است، در اذهان مردم مردی که زنانه صحبت کند متهم به بی‌اخلاقی است.

«سارا میلز» در حوزه ادبیات با توجه به علایق زبان‌شناسی خود به تحقیق و بررسی پرداخته است؛ از فعالیت‌های اصلی وی کار در حوزه فمینیسم زبانی است. کتاب «سبک‌شناسی فمینیستی» وی گویای این مطلب است. او در بسیاری از کارهای خود به ادبیات جنسیت زده اشاره کرده است و بیشترین آوازه وی در این حوزه فعالیت است. میلز مسئله جنسیت را در متن بررسی کرده است و از مهم‌ترین مباحث این کتاب همین موضوع است و از مباحث کلیدی در این کتاب محسوب می‌شود. او معتقد است تألیفات زنانه دارای مؤلفه‌هایی است که نوشتار آن‌ها را از مردان متمایز می‌کند وی با توجه به دستاوردهای زبان‌شناسی خود و تأثیر قدرت زبان زنان در سه سطح تحلیل واژگان، جملات و گفتمان تأکید می‌کند هر یک از سطوح مذکور دارای مؤلفه‌های جزئی‌تری است که به بررسی زبان زنانه در نوشته‌ها می‌پردازد. نوشتار نویسندگان زن (سلیمانی - وفی) این پژوهش طبق نظریه سارا میلز مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت و دستاوردهای پژوهش در سه سطح واژگان، جملات و گفتمان نشان داد که مؤلفه‌های زبانی میلز با نمونه‌های استخراج شده مطابقت دارد. پژوهش حاضر به یکی از زیر مؤلفه‌های سطح واژگانی با عنوان کلام مشارکتی و مراقبتی می‌پردازد که خود این زیرمؤلفه به بخش‌هایی تقسیم می‌شود که نتیجه تحقیق این پژوهش به دستاوردهای آن بستگی دارد این بخش‌ها شامل میزان کلام، قطع کلام و تصدیق‌گرها، دشواژه‌ها و رنگ‌واژه‌ها است. هدف از پژوهش بررسی کلام مشارکتی و مراقبتی مطابق الگوی زبانی سارا میلز در رمان پیاده اثر سلیمانی و روز دیگر شورا اثر وفی است. شایان ذکر است روش تحقیق و بررسی این رساله براساس مطالعات نظری و کتابخانه‌ای بوده و به صورت تحلیلی - توصیفی - تطبیقی انجام و از روش تحلیل محتوا در تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره برده است.

سوالات پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوالات است:

- الف. تا چه حد رمان پیاده اثر سلیمانی و رمان روز دیگر شورا فریبا وفی بر اساس دیدگاه سارا میلز منطبق هستند؟
- ب. تا چه حد آثار این دو نویسنده (سلیمانی - وفی) ویژگی‌های کلام مشارکتی و مراقبتی را طبق نظریه سارا میلز بازگو می‌کنند؟
- ج. در دو اثر مذکور تحکیم و قدرت کلام مردان تا چه حد با الگوی زبانی میلز منطبق است؟

فرضیه پژوهش

هر پژوهشی قطعاً حاوی فرضیه‌های گوناگونی است، در این پژوهش فرض اصلی پژوهشگران این است که آثار زنانه‌نویسانی چون بلقیس سلیمانی و فریبا وفی با تفاوت‌های سبک نوشتاری بر نظریه سارا میلز منطبق هستند. برخی دیگر از فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

- الف. در گفت‌وگوهای بین زن و مرد کلام نمایانگر تحکیم و سلطه مردان بر زنان است.
- ب. میزان کلام و قطع کلام با مردان است اما گسترش دهنده کلام زنان هستند.

ج. تصدیق‌گرها و دادن پاسخ‌های کوتاه و تأییدهای کلامی زنان هستند زیرا سعی در حفظ و گسترش کلام را دارند.

پیشینه تحقیق

در بین مقالات فراوانی که در حوزه نقد نوشته شده است موضوعی با عنوان کلام مشارکتی و مراقبتی مطابق الگوی زبانی سارا میلز در رمان پیاده اثر سلیمانی و روز دیگر شورا اثر وفی یافت نشد و این موضوع برای نخستین بار است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از مقالاتی که در این حوزه بررسی شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مؤلفه‌های زنانه‌نویسی در رمان اهل غرق منیرو روانی پور با تأکید بر سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز. نوشته سعیده خجسته-پور، محمدعلی گذشتی، عبدالحسین فرزاد. مجله بهار ادب. سال ۱۵. شماره ۱۲. شماره پی در پی ۸۲. صص ۶۳-۴۵. بهار ۱۴۰۱. نویسندگان در این مقاله سعی دارند به روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه‌های الگوی زبانی سارا میلز را در این مقاله تحلیل کنند و در رمان اهل غرق منیرو روانی پور سبک‌های فمینیستی را بر اساس سه سطح واژگانی، سطح جملات و سطح گفتمان بر اساس نظریه سارا میلز استخراج کنند.
۲. مشخصه‌های زنانه‌نویسی در ادبیات داستانی با نگاهی به رمان سگ و زمستان بلند شهرنوش پارس‌پور بر اساس سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز. نوشته سعیده خجسته‌پور. فصلنامه تاریخ ادبیات. دوره ۱۳. شماره ۱. صص ۲-۴۷. شهریور ۱۳۹۹. نویسنده با یافتن مشخصه‌های زنانه‌نویسی سارا میلز که شامل تحلیل واژگانی، تحلیل جملات، تحلیل گفتمان است سعی در بازنمایی صدای زنانه در آثار زنانه نویسی را دارد.

بحث و بررسی

نوشتار زنانه

«زبان و جایگاه زن» مقاله‌ای است که لیکاف در آن به تحول بزرگی در مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی اشاره می‌کند. وی معتقد است که زبان زنان با زبان مردان متفاوت است و بازگوکننده و در عین حال آفریننده موقعیتی فرودست‌تر برای آن‌ها در اجتماع است. او جنسیت را به عنوان اصلی‌ترین عامل اختلاف زبان زنانه و مردانه مطرح کرد. وی به تفاوت زبانی بین زنان و مردان و تأثیر این تفاوت در اجتماع که همان تسلط مردانه اشاره کرده است (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۶۶).

از نگاه فمینیست‌ها، خود طبیعی زن انکار شده است زیرا زن در ادبیاتی که مردان پدید آورده‌اند در تقابل با مرد معنا می‌یابد و در سمت و سو و تقابل با هدف‌های مرد است که اهمیت پیدا می‌کند.

«داستان شعبه‌ای از ادبیات است که زنان در آن می‌توانند صرف‌نظر از جنسشان، کاملاً با مردان هم‌تراز شوند. گروهی از نام‌های بزرگ به حافظه‌های ما هجوم می‌آورند تا اثبات کنند که زنان نه تنها می‌توانند رمان‌های خوب پدید آورند بلکه می‌توانند بهترین رمان‌ها را هم خلق کنند. هیچ یک از موانع آموزشی نمی‌توانند سد زنان در رسیدن به مواد داستانی باشند. هیچ نوعی از هنر وجود ندارد که این قدر از ضروریات انعطاف‌ناپذیر آزاد باشد» (رابینز، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

ویرجینا وولف در کتاب زن و ادبیات بیان می‌کند زنان و مردان به شیوه‌های متفاوتی می‌نویسند و شاید ابتدا ویرجینا وولف بود که در مقالات خود چارچوبی برای مباحث بعدی در این زمینه به دست داد و هم او در زمره نخستین کسانی است که شیوه نویسندگی زنان را مثبت ارزیابی کرد. به اعتقاد وولف، زن برای نوشتن آنچه در ذهن دارد، با دشواری‌های بسیاری روبروست که بدیهی‌ترین آن‌ها، ساختار جملات است. جملات موجود را مردان ساخته‌اند و خیلی سنگین‌تر و پر طمطراق‌تر از آن است که به کار زنان بیاید. زنان ناگزیرند آن قدر جملات را تعدیل کنند تا شکل طبیعی اندیشه آنان را به خود گیرد (وولف، ۱۳۸۹: ۳۸۱-۳۸۲). به دنبال روشنگری‌ها و پس از نوشتن

کتاب «تاقی از آن خود» اثر «ویرجینیا وولف» و کتاب «جنس دوم» اثر «سیمون دوبووار» زنان سعی نمودند خود را از سلطه فکری و زبانی مردانه درآورده و از مشکلات، معضلات و احساسات رقیق زنانه‌شان را بنویسند و تا جایی پیش بروند که زبان زنانه را در سر بپروارند (غلامی و همکار، ۱۳۹۲: ۲۲۶). نویسندگان زن از آغاز برای بیان مفاهیم زنانگی، گونه ادبی رمان را بر ژانرهای دیگر ادبی برتر شمرده‌اند و رمان یگانه گونه ادبی بوده‌است که شماری بزرگ از زنان در آن سهمیم بوده‌اند. این فرم ادبی در سال‌های اخیر به صورت وسیله برگزیده درآمد که زنان جنبه‌هایی از زندگی جنسی‌شان را با آن کویده و منتشر کرده‌اند. جنبه‌هایی که پیش از این در پهنه هنر یا در جامعه به آن توجهی نمی‌شد.

نقد فمینیستی

وقتی صدای جنبش فمینیستی به محافل علمی و ادبی رسید و تحقیق و بررسی متون آغاز شد گروهی از فمینیست‌های نظریه‌پرداز بر این باور بودند که نقد فمینیستی عبارت است از هر نقدی که به بررسی تاریخ زن توجه نشان می‌دهد و بر تفاوت زن با قالب‌های سنتی‌ای که به منظور دور کردن او از صحنه و به حاشیه بردن نقش او در ابداع و خلاقیت ایجاد شده تأکید دارد (روباتم، ۱۳۸۵: ۶۵). نقد فمینیستی به نقد مسائل زنان در معنای گسترده آن در متون ادبی نظر دارد و به نقش زنان در فرهنگ و جامعه و چرایی تضییع حقوق زنان توجه می‌کند.

نقد فمینیستی می‌کوشد تا نشان دهد که جامعه مردسالار بر چه ساز و کارهایی استوار است و چه ساز و کارهایی از آن محافظت می‌کند و هدف نهایی آن دگرگون ساختن مناسبات اجتماعی است. «فمینیست‌ها به این دلیل از این کنش دگرگون کننده دفاع می‌کنند که معتقدند جامعه مردسالار به نفع مردان عمل میکند و منافع مردان را برتر از دیگران قرار می‌دهد. نتیجه منطقی چنین اعتقادی این تصور است که جامعه مردسالار بر زنان ستم روا می‌دارد» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۸۷). پابنده معتقد است نقد فمینیستی را می‌توان «چالشی علیه نقد فرمالیستی دانست. هم فرمالیست‌های روس و هم منتقدان نو دهه ۱۹۳۰ م در آمریکا طرفدار عینیت مبنایی در نقد ادبی بودند و تأکید می‌ورزیدند که متن را باید غیر شخصی تلقی کرد. فمینیست‌ها بر عکس در پی اعتراض به نحوه شخصیت زن در آثار ادبی‌اند و چون اثر را باز نمود شخصی نویسنده می‌دانند، پدیدآورندگان آثار مردسالارانه را به باد انتقاد می‌گیرند (پابنده، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴). با مطالعه نظرات منتقدان ادبی می‌توان به این نتیجه رسید که تحلیل متون ادبی از منظر فمینیستی راه کارهای فراوانی دارد که زن و مرد بدون برتری جنسیتی و بدون تبعیض در کنار هم زندگی کنند.

گفتمان و فمینیست

نظریه فمینیست به شدت متکی بر نظریه فوکو در باب گفتمان است. مسأله مورد علاقه نظریه‌پردازان فمینیست به طرز کلی عبارت است از: تحلیل روابط قدرت و نحوه سلوک زنان به مثابه افراد و به مثابه اعضای گروه‌های انسانی با این روابط قدرت. فمینیست‌ها از دهه ۱۹۶۰ م به این سو بر این حقیقت پای فشرده‌اند که «شخصی، سیاسی است» این شعار به دلایلی چند هنوز هم شعار روز است: نخست این که فعالان سیاسی رسمی و رایج تا همین اواخر به نظر نمی‌رسید که خود را درگیر موضوعاتی چون تأمین آتیه کودکان، کار خانگی، سوء استفاده جنسی، خشونت‌های خانگی و مسائل مربوط به حقوق تولید مثل (شامل حق مادر شدن، جلوگیری از بارداری ناخواسته و سقط جنین). به علاوه بسیاری از فمینیست‌ها فعالیت‌های سیاسی رسمی و رایج (یعنی رأی دادن، فعالیت‌های سیاسی اصلاح‌گرانه، سیاست ورزی حزبی، طومارنویسی و غیره) را فعالیت‌هایی بی‌ثمر برای ایجاد تغییر مسائل واقعاً اضطرابی در زندگی می‌دانند. سرانجام این عبارت «شخصی، سیاسی است» دقیقاً به این دلیل تأثیرگذار بوده است که مسائلی که بیشتر زن‌ها روزی گمان می‌کردند کسر شأن

آنهاست. مثل کشمکش بر سر تقسیم مسئولیت کودکان و خانه داری، اکنون در واقع مسائلی به حساب می آیند که به جای این که صرفاً موضوعاتی فردی بین زوجها باشد، بیشتر مسائلی ساختاری و در نتیجه سیاسی هستند. انواع گفتمان هایی که فوکو مشخص کرده است و فمینیست ها در جهت اهداف خود به کار گرفته اند، عبارتند از گفتمان اعترافی و گفتمان زنینگی (میلز، ۱۳۹۶: ۹۹-۱۰۲).

گفتمان جنسیتی و زبان

زبان جنسیتی گفتاری است که در آثار نویسندگان زن و مرد متفاوت عمل می کند؛ یعنی زنان در آثار خود از گفتمانی استفاده می کنند که با گفتار مردان کاملاً متفاوت است. این گفتار، شامل کنش زنانه، عواطف زنانه، علایق و لحن زنانه است که در آثار داستانی نویسندگان زنانه نمودار می شود این تفکیک در زبان را زبان جنسیتی می گویند (قاسم زاده و همکار، ۱۳۹۵: ۸۸).

از میان گونه های مختلف زبانی، بیشترین توجه زبان شناسان، مردم شناسان به گونه جنس معطوف بوده است، به همین دلیل تمایز جنسی یکی از اندیشه های اساسی در بسیاری از مکتب ها و جنبش ها از جمله فمینیسم است. آنان معتقدند جنس به جنبه زیستی هویت زنان و مردان اشاره دارد. در حالی که جنسیت ساخت اجتماعی - فرهنگی است. جنس به تفاوت های فیزیکی بدن اشاره می کند، جنسیت به تفاوت های روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می شود. به عبارتی دیگر جنس مشخصه ای زیستی و تغییرناپذیر است که از بدو تولد بر بدن تحمیل می شود. اما زنانگی، مردانگی، رفتارها، هنجارها و ملاک های آنها از جنسیت سرچشمه می گیرد (پاک نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۵۷). از آنجا که به واسطه زبان نگرش ما به دنیای اطراف مان ساخته می شود و با توجه به این که نوعی رابطه سلسله مراتبی میان واژه های زبان به لحاظ جنسیت وجود دارد. در فرهنگ کلی اجتماع یک جنس می تواند موقعیت و قدرت بالاتری در مقایسه با جنس دیگر پیدا کند (شریفی مقدم و همکار، ۱۳۸۹: ۱۳۱). نظریه پردازان فمینیست بر این باورند که متون بر اساس جنسیت نویسنده متفاوت است و جنسیت در متون تأثیرگذار است. نویسندگان زن برآنند که ادبیات مردان، کلیشه های سنتی را تقویت می کند و در آثارشان تصویر جهانی مردسالار را نمایان می کنند. در ادبیات مردسالار، زنان را وابسته و قربانی جلوه می دهند؛ در حالیکه مردان مشکل گشا و عاشق پیشه اند (گرت، ۱۳۸۲: ۴۲). جنسیت گرایی در حوزه واژگانی نمادی از گرایش های جنسی را با خود به همراه دارد این گرایش ها عادی نبوده بلکه ارزش مدارانه و به جهت مردان تمایل دارد. واژه هایی چون مرد، مردانه، جوان مرد، مردانگی، قول مردانه و غیره بار ارزشی با خود حمل می کنند در مقابل واژه هایی چون: زن، زنانه، زن صفت، خاله زنک و غیره ضد ارزش تلقی می شوند. این واژه ها جنس مذکر را معیار ارزشی معرفی می کنند. سبب اصلی تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان، نظریات مختلفی ذکر کرده اند گروهی این تفاوت ها را نتیجه برخورد و آمیزش زبان های مختلف دانسته اند که به سبب برخوردهای نظامی فرهنگی و غیره حاصل می - گردد در مواردی ممکن است یکی از دو گروه بیش از دیگری در معرض برخوردهای نظامی فرهنگی و غیره قرار گیرد. یا از نتایج این گونه برخوردها بیشتر تأثیر پذیرند که تفاوت های گسترده ای را ایجاد می کند. (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۰۸).

کلام مشارکتی و مراقبتی

هدف زنان در مکالمه برقراری و حفظ ارتباط، یکسان سازی تجارب، نشان دادن حمایت (من هم همین احساس را دارم)، تداوم محاوره (امروز را چگونه گذرانید؟) پاسخ دهی و تفاهم (تکان دادن سر در پاسخ به صحبت فردی دیگر)، شیوه فردی، عینی و ملموس و محتاطانه و با تردید است در حالی که هدف مردان اعمال کنترل، حفظ استقلال، افزایش اعتبار، نشان دادن دانش یا مهارت، اجتناب از افشای اطلاعات شخصی که حاکی از آسیب پذیری فرد است، برتری در مکالمه (قطع مکالمه، مدت زمان بیشتری صحبت کردن)، پاسخ - دهی کمتر (آهان)، شیوه انتزاعی تر، محکم، قطعی و آمرانه است (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۵۹). که شامل:

الف. میزان کلام

دو دیدگاه متفاوت در میزان کلام زنان و مردان وجود دارد:

یک) کلیشه معمول این است که زنان بیش از مردان صحبت می کنند اما تحقیقات خلاف این را نشان می دهد زیرا میزان مکالمه نشان-دهنده اعمال قدرت است در نتیجه مردان برای این که تسلط خود را در گفت و گو نشان دهند از واژگان بیشتری در کلام استفاده می کنند. (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

دو) هدف مردان و زنان از طرح موضوعات گفت و گو نشان دادن غلبه و تفوقشان نیست بلکه سطح تحصیلات و جایگاه اجتماعی افراد تعیین کننده غلبه و تفوق در گفت و گو است نه صرفاً جنسیت (غفارثمر و همکار، ۲۰۰۷: ۶۱). از میان دو دیدگاه متفاوت بیان شده دیدگاه اول بیشترین جامعه آماری را داراست زیرا قدرت و تسلط مردانه در بررسی های کلامی در آثار نویسندگان کاملاً مشهود است و مردان در گفت و گوها با زنان بیش از آن ها صحبت می کنند.

ب. قطع کلام

در حالی که زنان تلاش قابل ملاحظه ای برای حفظ کنش متقابل و حمایت از نیازهای مکالمه ای مردان می کنند مردان همین کار را به نفع خود انجام می دهند و این امر نمایان گر قدرت و تسلط کلام مردانه در یک گفت و گو است. «شعاری هم با این مضمون مطرح شد: مردان رقابت می کنند، زنان همکاری یکی از تحقیقات جالبی که در این مورد صورت گرفته است بررسی مکالمات میان پزشکان و بیماران است. این تحقیق نشان می دهد هرگاه پزشک مرد و بیمار زن بود، این پزشک بود که در اغلب موارد کلام بیمار را قطع می کرد و هنگامی که پزشک زن و بیمار مرد بود این بیمار بود که در اغلب موارد کلام پزشک را قطع می کرد» (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۶۳).

ج. تصدیق گرها (پاسخ کوتاه)

مطالعات انجام شده نشان می دهد زنان بیشتر از مردان از تصدیق گرا یعنی پاسخ کوتاه استفاده می کنند، زنان برای این که در تداوم گفت و گو نقش داشته باشند معمولاً از حرکات سر یا استفاده از پاسخ های کوتاه استفاده می کنند. «به عبارت دیگر گفته می شود که تصدیق گرها یا پاسخ کوتاه نشان دهنده توجه مثبت شنونده نسبت به گوینده است. شنونده در مکالمه نقش فعالی را بازی می کند و استفاده از تصدیق گرهایی مثل «آها، بله، درسته، آره ای، خب و غیره» همانند مختصه های فرازبانی لبخند زدن و یا سرتکان دادن نشانگر دقت و توجه فعال است» (جان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

د. دشواژه ها و کلام خشن

در زبان شناسی عامیانه مشاهده شده است که زبان گویش وران مرد حاوی واژه های خشن و زشت است. لیکاف نیز مدعی است که در زبان انگلیسی، مردان بیش از زنان از اصطلاحات زشت استفاده می کنند. او معتقد است زنان از عبارات خشن، بی ادبانه و دور از نزاکت استفاده نمی کنند. آن ها متخصصان استفاده از حُسن بیانند (فارسیان، ۱۳۷۸: ۲۷).

ن. رنگ واژه ها

رنگ واژه ها و استفاده از واژگانی که مخاطب با شنیدن آن واژه رنگ خاصی در ذهنش نقش می بندد چون عشق که رنگ سرخ دارد و امید رنگ سپید و ظلمت رنگ سیاهی و بسیاری از واژگان دیگر که در متن به کمک نویسندگان می آید و توصیف ها را دلپذیر می کند. لیکاف ادعا می کند که رنگ واژه هایی مانند قهوه ای روشن، بنفش کم رنگ و صفاتی مانند قابل ستایش، فریبنده عموماً از سوی زنان مورد استفاده قرار می گیرند و به ندرت به وسیله مردان استفاده می شوند. هم چنین گفته شده است که زنان برای تأثیر قطعی و بیشتر سخن-شان بر روی واژه ها تأکید می کنند. واژه هایی مانند خیلی خوب، دوست داشتنی و غیره (غفارثمر و همکار، ۲۰۰۷: ۶۰).

بحث و تحلیل داده‌ها

الف. رمان پیاده اثر بلقیس سلیمانی

"بلقیس سلیمانی" داستان‌نویس، منتقد ادبی و پژوهشگر در سال ۱۳۴۲ در رابر استان کرمان متولد شده است. ویژگی عمده آثار سلیمانی که با گسترش روند استقلال طلبی نویسندگان زن در خلق جهانی موازی و با در نظر گرفتن دیدگاه او پیرامون بی‌پایان بودن مصائب زن ایرانی عجیب نیست که شخصیت‌های داستان‌های وی عمدتاً زنان هستند و داستان درباره زنان یا از نگاه و ذهن زنان روایت می‌شود. تنها در رمان «سگ سالی» است که از دیدگاه یک شخصیت محوری مرد داستان روایت می‌شود. دوازده رمان بلند دارد که رمان پیاده یکی از آن‌هاست.

۱-۱- خلاصه رمان

«پیاده» نام رمان دیگری از بلقیس سلیمانی است؛ که روایتگر غم سرشار زنی رها شده از گوران (روستایی از توابع کرمان) در تهران است. زن (انیس) به امید سفیدبختی با مردی زن طلاق داده به نام کرامت که سر و سری سیاسی دارد و بسیار بددل است و در ضمن از اقوام او نیز هست ازدواج می‌کند. بعد از ازدواج به تهران نقل مکان می‌کنند. مرد دانشجو است. مرد روزی با دوستی به نام هوشنگ به خانه می‌آید؛ که بعد از مدتی انیس متوجه می‌شود که هوشنگ فراری است کرامت صبح‌ها وقتی از خانه خارج می‌شود در را به روی زن قفل می‌کند تا شب که برگردد. روزی که انیس بعد از چند روز بیماری بیهوش می‌شود هوشنگ قفل در را باز می‌کند و انیس را به درمانگاه می‌برد این اتفاق باعث می‌شود که کرامت شک کند که هوشنگ به زن تعرض کرده است و این شک زمانی بیشتر می‌شود که انیس باردار است و هوشنگ گریخته است و کرامت مطمئن است که مردانگی ندارد و بچه از او نیست. بعد از چند روز کرامت هم زندانی می‌شود. در بی‌کسی کودک خود را به دنیا می‌آورد سال‌ها با بدبختی و فقر دست و پنجه نرم می‌کند تا سر و کله هوشنگ پیدا می‌شود و قصد دارد جبران کند و با او ازدواج کند به خاطر بدبختی که سر انیس آمده است. این امر اتفاق می‌افتد اما هوشنگ با نوزادی که در بغل انیس می‌گذارد کشته می‌شود. و سرگردانی زن ادامه دارد تا سر و کله دختری از اقوام انیس پیدا می‌شود و با دیدن کامران پسر بزرگ انیس تصمیم می‌گیرد عکس او را بگیرد و به گوران ببرد و به همه بگوید که کودک چقدر شبیه کرامت است و به انیس تهمت زده‌اند. همین امر باعث می‌شود کرامت بیاید و انیس را دادگاهی کند و کامران را با خود ببرد. انیس با بدبختی خودش و کودکش (پسر هوشنگ) سر می‌کرد که این بار سر و کله برادرش پیدا می‌شود و با ضربات چاقو انیس را از پای درمی‌آورد.

۱-۲- کلام مشارکتی و مراقبتی

۱-۳- میزان کلام

تسلط و قدرت مردانه در کلام کاملاً مشهود است و مردان رمان میزان کلام بیشتری در گفت‌وگوها دارند با وجود این که نویسنده شخصیت زن رمان را زنی وراج نشان داده است.

گفت‌وگوی کرامت و انیس:

«نشینی پشت در، همه چیز رو بریزی رو دایره! این چه حرفیه کرامت؟ من این بنده خدا رو اصلاً نمی‌شناسم. تو دو تا گوش مفت می‌خوای. آشنا و غریبه هم سرت نمی‌شه. من تو رو می‌شناسم. من غلط می‌کنم با مرد غریبه حرف بزنی. حالا نمی‌شه اون بمونه تو اتاق؟ من هزار تا کار دارم. لا اله الا الله. زبون آدمیزاد حالیت نمیشه‌ها. باشه. باشه. گفتم این طوری تر و خشکی براتون آماده می‌کنم. نخواستیم، نمی‌میری این چهار پنج ساعت که بگیر بخواب. کرامت در را می‌بندد» (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۷).

گفت‌وگوی هوشنگ و انیس:

«وای خدا جونمو بگیره. آقا می‌دونم این رسم مهمان‌نوازی نیست. ولی چه کنم ... می‌دونین ... فقط جسارته، قوطی چای کجاست؟ همون توی کمدِ گاز. آقا. خدا مرگم بده... به شاهزاده ابوالقاسم. نفرمایید خانم، خدا نکنه» (همان: ۱۲).

۱-۴- قطع کلام

در بسیاری از نمونه گفتگوها بین زنان و مردان قطع کلام با مردان است. چند نمونه در میزان کلام ذکر شده است.

گفت‌وگوی هوشنگ و کرامت و انیس:

«دستتون درد نکنه انیس خانم. چه عطر و بویی راه انداختین. خجالت‌م ندین آقا هوشنگ. قابل شما رو نداره. کرامت می‌نشیند کنار قابلمهٔ آبگوشت و سگرمه‌هایش را درهم می‌کشد. انیس می‌نشیند روبه‌روی آقا هوشنگ. پیاز می‌خورین آقا هوشنگ؟ نه سبزی هست» (همان: ۱۹).

۱-۵- تصدیق‌گرها (پاسخ کوتاه)

پاسخ‌های کوتاه در این رمان نیز توسط زنان صورت گرفته است. مانند نمونه‌های زیر: آهان بله، بهتر، والله بخدا، ها. «انیس خانم شما ندونین بهتره. یه کار مردونه ست. آهان. بله» (همان: ۳۲). «آقا هوشنگ رفته؟ کجا رفته؟ بهتر. والله به خدا» (همان: ۴۶). «ها، رفت دانشگاه زود برمی‌گرده» (همان: ۱۲).

۱-۶- دشواژه (کلام خشن)

شخصیت محوری زن داستان خشونت کلامی را هم تجربه می‌کند؛ دشواژه‌ها بیشتر مورد استفادهٔ مردان رمان است. «تیر بخوره تو اون شکمت» (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۷). «فضولیش به تو نیومده» (همان: ۲۱). «مرگ! چه خبرته؟» (همان: ۲۲). «زیادتر از دهنت هم حرف نزن!» (همان: ۳۳). «می‌مردی تا غروب صبر می‌کردی؟» (همان: ۴۲).

۱-۷- رنگ واژه‌ها

نقش رنگ‌واژه‌ها در رمان پیاده بازنمایی فضای غم و اندوه سرشار داستان است و شخصیت محوری زن داستان از رنگ‌واژه‌های بیشتری نسبت به شخصیت‌های مرد داستان بهره برده است.

«دلش برای فرش گل سرخش تنگ شده» (همان: ۸۲). «پیشانی سپید است» (همان: ۱۳۱). «مگر موهای سفیدش دوباره سیاه می‌شوند؟» (همان: ۱۳۷). «ریش و سبیلش هم جابه‌جا سفید می‌زد» (همان: ۱۴۱).

۱-۸- ب. رمان روز دیگر شورا اثر فریبا وفی

وفی در بهمن سال ۱۳۴۱ در تبریز متولد شد. فریبا وفی با استفاده از زبانی روان و حتی ساده، مفاهیم عمیقی را مطرح می‌کند. او این کار را با استفاده از جملاتی سبک و کوتاه با دایره لغاتی که مفهوم را می‌رساند انجام می‌دهد. ممکن است در مواجههٔ اول با آثار وفی به نظر بیاید که او دایره لغات وسیعی نداشته و یا حتی سادگی جملات باعث شود که جملات و دیالوگ‌ها در داستان پیش پا افتاده به نظر بیایند. اما واقعیت این است که این توانایی وفی است که بتواند مخاطب خود را از هر قشر و سطح سواد به فکر فرو برد و مفاهیمی شگرف را با او سهیم شود. هفت رمان بلند دارد که روز دیگر شورا یکی از آنهاست.

۱-۹- خلاصهٔ رمان

شورا نام زنی است که در داستان روز دیگر شورا گرفتار یک زندگی سنتی دست و پاگیر شده است. در یک ساختمان با خانوادهٔ شوهرش زندگی می‌کند. خودش از یک خانوادهٔ معمولی است و وارد خانه‌ای شده که مادرشوهر پرافاده‌ای همهٔ حرکات و سخنان او را بررسی می‌-

کند و به او می‌گوید چگونه حرف بزند. چگونه راه برود؟ آداب و معاشرتش چگونه باشد. منصور شوهرش مردی بسیار لجباز و مطیع مادرش است. شورا خود را کارگری توصیف می‌کند که باید در این خانه همیشه ماسک به صورت بزند. از کمبودهای عاطفی به مردی بیژن نام پناه می‌برد که از اقوام منصور است. بعد از مدتی تماس‌های دزدکی، روزی او را در ایروان می‌بیند و با هم نشست و برخاست می‌کنند اما بیژن هم مردی بددل از آب درمی‌آید. اما شورا خوشحال است که دو روز برای خودش و احساسش زندگی کرده است.

۱-۱- کلام مشارکتی و مراقبتی

۱-۱- میزان کلام:

میزان کلام و گسترش کلام بیانگر قدرت و تسلط مردان در گفت‌وگوست.

گفت‌وگوی منصور و شورا:

منصور: «چه جوری باهاش حرف زدی عزیزم که راضیش کردی؟ شورا: یه لحظه حس کردم احتیاج داره یکی از چیزی مطمئنش کنه. منصور: آگه راستش رو می‌گفتی، اون مطمئن‌تر می‌شد عزیزم. شورا: چه فایده؟ مطمئن می‌شد ولی آروم نمی‌شد. منصور: آفرین دختر. آفرین به این همه فهم و شعور.

منصور دنبال شورا می‌رود آشپزخانه. مثل گربه گونه و دماغش را می‌مالد به گرده او. منصور: تو که کارت آروم کردن دیگرانه، منم آروم کن» (وفی، ۱۳۹۸: ۲۱).

گفت‌وگوی بین مختار و شورا:

مختار: «بذار باز باشن. دلم می‌گیره. پیرزن خونه را کرده عین قفس. تا اون پایینه بذار نفس بکشم.

شورا: گرد و خاک برات خوب نیست.

مختار: دلم خوش بود که از دست زن و بچه آزاد شدم. می‌گفتم بعد از این پولم رو می‌زنم به گشت و گذار که کاسه کوزه‌مون خورد به اوضاع خراب و گرونی و رکود و بعد هم این مریضی کوفتی.

شورا: یادت نره اینا رو باید مرتب و سرساعت بخوری.

مختار: خسته شدم از این زندگی.

شورا: واقعاً اینا رو بهش گفتی؟

مختار: جات خالی بدترش هم گفتم. تو حال خودم نبودم» (همان: ۳۳-۳۴).

قطع کلام

در گفت‌وگوهای بین زنان و مردان در داستان قطع کلام با مردان است. (نمونه‌هایی که در قسمت میزان کلام آورده شده، برای جلوگیری از تکرار ذکر نشده است).

گفت‌وگوی بیژن و شورا:

شورا: «باید از یه جایی برگرده به زندگی. شما نمی‌تونین تو موقعیت اون باشین. شورا دستپاچه اضافه می‌کند. یا می‌تونین؟ بیژن: چرا این حرف رو می‌زنین؟ شورا: فقط پرسیدم. بیژن: شما خیلی تیزین. درست متوجه شدین و ... شورا: چی بگم. بیژن: لازم نیست چیزی بگین. همین که گوش می‌دین خیلی خوبه» (همان: ۳۶-۳۷).

تصدیق گرها (پاسخ کوتاه)

پاسخ‌های کوتاه زنان و تصدیق‌ها و اشارات، در همراهی مکالمات نقش به‌سزایی دارد. «از چی می‌ترسیدی؟ از همه چی» (وفی، ۱۳۹۸: ۵۰). «حالا که اومدم. اینجا. آره. ولی می‌خوام بدونم از چی ترسیدی؟» (همان: ۵۱). «همه چیز عجیبه یه کم چی عجیبه؟» (همان: ۶۲). «لیوان را خوب نمی‌شوری. لک داره. نداره» (همان: ۶۵). «دنبال چی می‌گردی؟ هیچ چی» (همان: ۸۶).

دشوآژه‌ها (کلام خشن)

دشوآژه در این رمان هم از حد متعارف خارج نشده است و از کلمات زننده و رکیک کمتر استفاده شده است. «کله خراب و بی‌سواد» (همان: ۲۱). «همه چیز ناچیز و احمقانه جلوه می‌کند» (همان: ۱۰). «مرد هیز» (همان: ۱۱). «زهرمار به خوردش بدهد تا غذا» (همان: ۲۴). «گیج و گول» (همان: ۳۰). «خُل مشنگ» (همان: ۳۹). «قُد و دهنلق» (همان: ۴۳). «شوهر خر داری» (همان: ۴۵).

۱-۲-۱- رنگ‌واژه‌ها

رنگ‌ها نمایانگر وضعیت نامطلوب زندگی است که موردپسند شخصیت زن داستان نیست. «دندان‌های سفید و مرتبش در ترکیب تیره صورتش به شکل جذابی می‌درخشید» (وفی، ۱۳۹۸: ۹). «به رنگ پریده‌اش می‌خندد» (همان: ۱۲). «ماشین سفید گنده‌ای کرایه کرده» (همان: ۱۵). «پوست سبز، و حلقه کبود زیر چشم‌هایش» (همان: ۱۷). «بگویند ماست سفید است او می‌گوید سیاه است» (همان: ۱۹). «موهای قهوه‌ای رنگ کرده» (همان: ۲۳).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر مطالعه‌ای تجربی است که به بررسی و ارزیابی تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان شخصیت‌های زن و مرد بر اساس رویکرد زبانی سارا میلز پرداخته است. این مطالعه به صورت بین رشته‌ای از یافته‌های زبان‌شناسان بالاخص زبان‌شناسان فمینیست برای بیان تئوری‌ها و تبیین فرضیات استفاده کرده است و در ادامه به بررسی کلام مشارکتی و مراقبتی از دیدگاه سارا میلز در رمان پیاده اثر سلیمانی و روز دیگر شورا اثر وفی پرداخته شد. شخصیت‌های اصلی زن در رمان پیاده زنی از جامعه روستایی است و دغدغه‌ها و مشکلات خاص خود را به همراه دارند؛ اما شخصیت محوری زن رمان روز دیگر شورا زنی شهری با دل مشغولی‌های ویژه خود است این دو قشر از زنان با وجود شباهت‌های فراوان تفاوت‌هایی نیز دارند که بر اساس نظریه زبانی سارا میلز بررسی‌ها در سطح واژگانی و زیر مؤلفه کلام مشارکتی و مراقبتی مورد واکاوی قرار گرفت. پس از بررسی داده‌های مذکور در دو رمان پیاده و روز دیگر شورا نشان داد که در میزان کلام و قطع کلام با مردان است و همچنین زنان در گسترش کلام با تأییدهای سر و دست و هم چنین پاسخ‌های کوتاه سعی در حفظ یک مکالمه را دارند. استفاده از واژه‌های رکیک و نامتعارف بیشتر توسط مردان صورت گرفته است. طبق یافته‌های پژوهش کلام مشارکتی و مراقبتی کاملاً مردانه است و این امر نشانگر سلطه مردان در کلام است که از نوع خشونت‌های کلامی است که بر زنان تحمیل شده است.

منابع و مآخذ

- ۱- پاینده، حسین (۱۳۹۰) **گفتمان نقد**، چاپ دوم، تهران: نیلوفر.
- ۲- پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱) **فراادستی و فرودستی در زبان**، تهران: گام نو.
- ۳- ترادگیل، پیترا (۱۳۷۶) **زبان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه محمد طباطبائی، تهران: آگه.
- ۴- رابینز، روت (۱۳۹۸) **فمنیسم‌های ادبی**، ترجمه احمد ابوالمحبوب، تهران: افراز.
- ۵- روباتم، شیلا (۱۳۸۵) **زن در تکاپو (فمنیسم و کنش‌های اجتماعی)**، ترجمه حشمت‌الله صباغی، تهران: شیرازه.
- ۶- سلیمانی، بلقیس (۱۳۹۸) **پیاده**، تهران: چشمه.
- ۷- گرت، استفانی (۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی و جنسیت**، ترجمه کنایون بقایی، تهران: مرکز.
- ۸- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸) **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۹- مؤمنی، مریم (۱۳۸۶) **«زبان و جنسیت»**، مجله بازتاب اندیشه، ش ۱۵۲، صص ۶۶-۷۱.
- ۱۰- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴) **دانشنامه نظریه ادبی معاصر**، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ۱۱- میلز، سارا (۱۳۹۶) **گفتمان**، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم.
- ۱۲- وولف، ویرجینیا (۱۳۸۹) **زن و ادبیات**، ترجمه منیژه نجم عراقی و همکاران، تهران: چشمه.
- ۱۳- وفی، فریبا (۱۳۹۸) **روز دیگر شورا**، تهران: مرکز.
- ۱۴- هام، مگی؛ سارا، گمبل (۱۳۸۲) **فرهنگ نظریه‌های فمینیستی**، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و همکاران، تهران: توسعه.

مجموعه مقالات

- ۱- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰). **«زبان و جنسیت، پژوهشی زبانشناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویش وران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای»**. پایان‌نامه دکتری: دانشگاه تهران.
- ۲- شریفی‌مقدم، آزاده؛ بردبار، آناهیتا (۱۳۸۹). **«تمایز گونه‌ی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی»**. دو فصلنامه علوم انسانی زبان‌پژوهی. س ۲ (ش ۳). صص ۱۲۵-۱۵۱.
- ۳- غلامی، حمیده؛ بخشی‌زاده، معصومه (۱۳۹۲). **«شعر زنانه ایران و سبک گویش زنانه»**. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ۶، صص ۲۲۵-۲۴۴.
- ۴- غفارثمر، رضا، علی‌بخشی (۲۰۰۷). **«تفاوت‌های مرتبط با جنسیت در استفاده از راهبردهای زبانی در ارتباطات چهره به چهره»**. مجله زبان‌شناسی (ش ۳). صص ۵۹-۷.
- ۵- قاسم‌زاده، علی؛ علی‌اکبری، فاطمه (۱۳۹۵). **«مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من»**. دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی (ش ۸۰). صص ۱۸۱-۲۰۵.

collaborative and caring words according to Sarah Mills' language model in the novel *Peyade* by Soleimani and another day of the shora by Vafi

Abstract

The discussion of gendered language is a worthy discussion in fiction literature; because the author needs to use the unique linguistic features of men's and women's language in order to benefit from a language appropriate to the gender of his characters. According to the opinions of feminist literary critics, Sarah Mills considers the difference between men and women and has examined the word at three levels, which includes differences at the level of vocabulary, at the level of sentences, and at the level of discourse.

Collaborative and caring speech is a subset of the lexical level of Sarah Mills's theory, which includes the amount of speech, interruptions and affirmatives, idioms and color words. The findings of the research show that in the mentioned components, male dominance and power in speech is more, and this indicates that language is gendered in favor of men. This research has analyzed the works of two authors in an analytical-descriptive-comparative way. The findings of the research show that, in general, cooperative and caring speech has been done by men, which shows male verbal mastery and the exercise of male power in the studied works.

Keywords: participatory and caring words, gender language, Saramills, Soleimani, Vafi